

فصلنامه علمی مطالعات نوین بانکی

شماره مجوز: ۸۳۲۸۹ ((شماره نوزدهم-تابستان ۱۴۰۲)) ISSN: 2645-5420

بررسی و شناخت مزایای اسناد تجارتي با نگاهی به اقسام آن

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۲ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰)

مسعود اخلاص

دارنده تندیس پژوهشگر برتر کشور از موسسه قانون یار

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

چکیده

امروزه به دلیل متداول شدن استفاده از اسناد تجاری و افزایش کاربرد آن‌ها، آگاهی هرچه بیشتر از مقررات حاکم بر این اسناد ضرورت دارد. اسناد تجاری اسنادی هستند که روزانه میان تجار در گردش هستند و قانون تجارت شرایط خاصی را نسبت به آن‌ها در نظر گرفته است. این اسناد با وجود سرعت، سهولت و امنیت در روابط تجاری بسیار پرکاربرد هستند. اسناد تجاری نسبت به دیگر اسناد از امتیازات و خصایص قابل توجهی برخوردارند که این امر باعث شده استفاده از اسناد تجاری در اولویت معاملات و مراودات تجاری افراد قرار گیرد. در این مقاله قصد داریم به بررسی و شناخت مزایای اسناد تجارتي با نگاهی به اقسام آن بپردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها فیش برداری و بهره از کتب و مقالات مرتبط با موضوع پژوهش است. این مقاله می تواند مورد استفاده تمامی افراد جامعه قرار گیرد چراکه هر شخصی به نوعی با یکی از اسناد تجاری سروکار دارد و باید به مزایا و اقسام این اسناد آشنایی حقوقی داشته باشند.

واژگان کلیدی: اسناد تجاری، چک و سفته، برات، مزیت چک، مسئولیت صادر

کننده سند تجاری، وصف تنجیزی سند تجاری

بخش اول: بررسی و شناسایی سند و اقسام آن

تعریف سند، با توجه به آنچه در قانون مدنی، بیان شده، عبارت است از: هر نوشته مکتوبی که در مقام دفاع یا اقامه دعوا، قابلیت استناد، در دادگاه را دارد. سند، نقش مهمی در اثبات یک ادعا، در دادگاه داشته و در مقام دفاع، نیز مورد استفاده قرار می گیرد. سند عادی و سند رسمی، از انواع اسناد می باشند که از جهت نحوه تنظیم، آثار و اعتبار اثباتی، تفاوت هایی با یکدیگر دارند. البته سند دارای مفاهیمی می باشد که در ذیل اشاره می گردد.

مفهوم عام سند: در این مفهوم سند به معنای هر تکیه گاه و راهنمای مورد اعتماد است. اینکه گفته می شود «فلان سند تاریخی، درباره رویدادی ارائه شده است» یا اینکه بیان گردد فلان سخن دارای سند معتبر است و می توان بدان اعتماد نمود» مفهوم عام سند مورد نظر است اما مفهوم اخص و اصطلاحی سند، در خصوص نوشته ای است که تنها در مقام دفاع یا دعوی قابل استناد است. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۷۵) مفهوم خاص سند نیز هر نوشته ای را که قابل استناد باشد شامل می شود و از آن جمله اند؛ اعلام کتبی اشخاص یا تصدیق نامه و نظر کارشناسی و صورتجلسه تحقیق محلی و متن قوانین و.... که در این مفهوم مراد از سند معادل معنای «دلیل» است (مدنی، ۱۳۷۶: ۸۰) در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی در تعریف سند آمده است: «سند عبارت است از هر نوشته ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد» آنچه از این تعریف بعنوان ارکان و شرایط موثر استخراج می گردد عبارت است از «نوشته بودن» که با این قید دلایل غیر مکتوب از شمول تعریف خارج می گردد و به خط یا علامتی که در روی صفحه نمایان باشد و مراد هر نوع خط و علامتی که در روی هر



نوع صفحه اعم از کاغذ یا صفحه چوبی یا سنگی یا پارچه ای و... اشاره می گردد، قابل استناد بوده، مراد از این قید، به معنای آن است که باید بتوان، سند را برای اثبات ادعا یا دفاع از خود در محکمه به کاربرد خواه دعوی مطرح شده یا نشده باشد به عبارت دیگر، باید بتوان به موجب (این قید سند را علیه کسی در دادگاه به کاربرد) (عظیمی، ۱۳۷۲: ۱۶۸) از آنجایی که شهادت نامه همواره تعهدی را در مقابل طرف در بر ندارد و یا اینکه خاصیت الزام آور بودن را ندارد، به عنوان سند محسوب نمی گردد بر این اساس قانون مدنی در ماده ۱۲۸۵ تصریح نموده که شهادت نامه سند محسوب نمی شود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت. در تعریف سند، اساتید برجسته حقوق به تعریف حقوقی سند اشاره نموده اند از آن جمله دکتر کاتوزیان بیان داشته اند « نوشته ای که به منظور تحقق بخشیدن و اثبات واقعه حقوقی، تنظیم می شود در اصطلاح حقوقی «سند» نامیده می شود » (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۷۷) دکتر لنگرودی در این مقام می گویند: «سند نوشته ای است که در اثبات مطلبی، به کار می رود هر چند که هرگز، در مقام دعوی یا دفاع به کار نرود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹: ۱۰۶۸) در ماده ۱۲۸۶ قانون مدنی اسناد به دو گروه «اسناد رسمی» و «اسناد عادی» تقسیم می شوند که در اینجا قصد داریم به صورت اجمالی نگاهی به این تقسیم بندی بیندازیم.

بند اول: سند رسمی

اسناد رسمی طبق ماده ۱۲۸۷ ق.م چنین تعریف شده است: «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است»

اسناد رسمی را می توان به چهار دسته تقسیم نمود:

الف - اسناد رسمی قانونی مانند قانون ها و فرمانها

ب- اسناد اداری مانند دستورهای صادره از ادارات لشکری و کشوری ج- اسناد قضایی مانند احکام و قرارهای دادگاه ها و صورت مجلس ها و غیره د- اسناد تنظیمی در دفاتر ثبت» (امامی، ۱۳۷۲: ۶۷)

بند دوم: سند عادی

سند عادی نوشته ای است که به وسیله اشخاص تنظیم گردیده و مأمور رسمی در تنظیم آن طبق مقررات قانونی مداخله ننموده است. در قانون مدنی ایران برخلاف تعریف سند رسمی از سند عادی تعریفی نشده است و مقنن در ماده ۱۲۸۹ ق.م مقرر داشته: «غیر از اسناد مذکور در ماده ۱۲۸۷ ق.م سایر اسناد عادی است» بنابراین اسنادی که به وسیله افراد تنظیم می شود، از قبیل، دفاتر تجاری یا سندی که مأمور رسمی خارج از حدود صلاحیت خود تنظیم می نماید و یا سندی که مأمور رسمی بدون رعایت مقررات مربوطه تنظیم نماید در زمره اسناد عادی لحاظ می گردد. مقنن در ماده «۱۲۹۳» ق.م چنین مقرر نموده است: «هرگاه سند بوسیله یکی از مأمورین رسمی



تنظیم اسناد تهیه شده، لیکن مامور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد، سند مزبور در صورتی که دارای امضاء یا مهر طرف باشد عادی است.»

بخش دوم: بررسی و تحلیل شناختی اسناد تجاری با مذاقه در اقسام خاص آن

اسناد تجاری در معنای خاص، به اسنادی اطلاق می گردد که قابلیت نقل و انتقال داشته و متضمن دستور پرداخت مبلغ معینی به رویت یا به سررسید کوتاه مدت بوده و به جای اسکناس وسیله پرداخت قرار می گیرند و از امتیازات و مقررات ویژه قانونی نیز تبعیت کنند.» (اسکینی، ۱۳۸۹: ۳) قانونگذار در قانون تجارت تعریفی از اسناد تجاری نکرده است ولی در لایحه قانون تجارت در ماده ۷۰۱ آن مقرر داشته است که سند تجارتی سندی است که شکل آن مطابق قانون تنظیم می شود و به موجب آن تعهد مستقل پولی یا غیر پولی بر عهده صادر کننده و یا دیگری ایجاد می گردد. برات، سفته و چک سه نوع عمده از (اسناد تجاری خاص) بوده که عنوان اسناد براتی نیز به آنها اطلاق می گردد.

بند اول: برات

برات از جمله اسنادی است که از قدیم الایام در داد و ستدهای میان مردم مورد استفاده بوده و منشاء پیدایش آن برای انتقال طلب بوده و وقتی شخصی از دیگری طلبی داشته که موعد پرداخت آن فرا نرسیده با انتقال طلب خود به دیگری، امکان

یک معامله مدت دار را برای خود مهیا ساخته و از جابه جایی پول نیز صرفه جویی می گردید و ایضاً برای جلوگیری از خطرات احتمالی حمل و نقل پول در سفرها سند مذکور مورد استفاده بوده بدین صورت که در مبدأ پول خود را به شخص دیگری پرداخته و همان مبلغ را در مقصد از شخصی که توسط اخذکننده پول در مبدأ تعرفه می گردید، دریافت می کرد. از نظر مفهوم لغوی «برات» به معنای زیر استعمال گردیده است: «برخی از نویسندگان کلمه برات را از براءت عربی و به معنای رها شدن از وام دانسته اند.» (کاتبی، ۱۳۶۵: ۱۸۵) «نوشته ای که به موجب آن دریافت یا پرداخت پولی را به دیگری واگذار کنند.» (عمید، ۱۳۸۹: ۲۳۹) «برات نوشته ای است حاوی دستور پرداخت پول یا تسلیم کالا (برات عین) به دیگری است در تاریخ معین.» (لنگرودی، ۱۳۸۰، ۳۱) از نظر اصطلاحی، در قانون تجارت ایران تعریفی از برات ارائه نگردیده است و لیکن تعاریفی که توسط اساتید حقوق درخصوص این سند تجاری ارائه نموده اند به شرح ذیل عیناً نقل می گردد: «برات نوشته ای است که به موجب آن شخصی به شخص دیگر امر می دهد مبلغی در وجه یا حواله کرد شخص ثالثی در موعد معین پرداخت کند. (ستوده تهرانی، ۱۳۸۰: ۱۹) «برات سندی است که به موجب آن معمولاً "برات کش به دیگری یعنی برات گیر دستور می دهد که مبلغی معین را در زمان مشخص و در وجه یا حواله کرد ذی نفع یا آخرین دارنده برات کارسازی نماید.» (صقری، ۱۳۸۷: ۲۸) «برات نوشته ای است که به موجب آن شخص به شخص دیگری دستور می دهد در وعده ای معین یا قابل تعیین مبلغی را به شخص ثالث یا به حواله کرد او پرداخت کند. (اسکینی، ۱۳۸۵: ۱۱)



در برات کسی که برات را صادر می کند « برات کش » یا « محیل » یا « صادر کننده » می باشد و کسی که برات به نفع او صادر گردیده دارنده برات یا محال له خوانده می شود. و کسی که برات به نفع او صادر گردیده، دارنده برات یا محال له خوانده می شود و کسی که وجه برات باید به توسط او به دارنده پرداخت شود « برات گیر » یا « محال علیه » نامیده می شود بنابراین با توجه به تعاریف ارائه شده در تعریف برات می توان گفت: برات نوشته ای است که بر اساس آن شخص برات کش « صادر کننده » به شخص برات گیر « محال علیه » امر می کند که به محض رویت یا در موعد معین مبلغی را در وجه یا به حواله کرد دارنده برات بپردازد.

بند دوم: سفته

سفته یا فته طلب از کلمه « پته » اخذ شده است. در ایام قدیم به لحاظ کمبود نقدینگی چنین رسم بوده است که به داد و ستد مردم با یکدیگر که به صورت نسیه و با سپردن یک نوشته که دارای مهر یا امضاء بوده و میزان بدهی در آن قید گردیده انجام می گرفت و با انقضاء وعده مقرر و در جهت پرداخت دین، با پرداخت وجه و بدهی مزبور، رسید سپرده شده مسترد می گردید. در معنای لغوی سفته مالی که به شهری دهند و به شهری باز ستانند و تحفه ای که شخص برای شخص دیگر از ملکی به ملک دیگر به رسم تکلیف یا بضاعت فرستند. (معین، ۱۳۸۷: ۶۴۰) «سفته به کسر سین یعنی استوار، وثیقه، نخست یک نوع قرض بود که مسافری مالی به کسی قرض می داد. (به طور صوری) تا در مقصد سفرش، از وام گیرنده که در مقصد

مذکور شییه مال مورد قرض موجود دارد با گرفتن خطی (حواله) به وسیله طرف وام گیرنده بستانند، آن خط را سفته نامیده اند.» (لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۱۷)

«چیزی که کسی از دیگری به رسم عاریت یا قرض بگیرد که در شهر دیگر یا مدتی دیگر پس بدهد. (عمید، ۱۳۸۹: ۷۳۴)» در بازار این امکان وجود داشته که بازرگانی جهت تحصیل اعتبار مورد نیاز، از شریک تجاری خود سندی متضمن تعهد به تادیه مبلغی در موعد معین بدست آورد و آن را به اعتبار شخصیت متعهد به معامله دهد خواه واقعاً طلبی در بین بوده یا نبوده باشد. (صقری، ۱۳۸۷: ۳۴۵)

در ماده ۳۰۷ قانون تجارت ایران «سفته» چنین تعریف شده است: «فته طلب سندی است که به موجب آن امضاء کننده تعهد می کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید.»

اساتید دیگر نیز در تعریف سفته بیان داشته: «سفته سندی است که به موجب آن شخص تعهد می کند مبلغ معینی پول را بدون قید و شرط در سر رسید معین یا عندالمطالبه به دارنده سند پردازد. (کاویانی، ۱۳۸۹: ۲۹) استاد محمودعرفانی سفته را چنین تعریف نموده است: «سندی که به واسطه آن کسی (متعهد) تعهد می کند که در وجه شخص دیگر (متعهد له) یا حواله کرد او مبلغ معینی را در تاریخ معینی یا عندالمطالبه پردازد. (عرفانی، ۱۳۸۸: ۵۴) در سفته همواره دو شخص وجود دارد متعهد و متعهد له. متعهد سفته، شخصی است که با تنظیم سفته تعهد می کند مبلغ معینی را در تاریخ معین یا عندالمطالبه به دارنده آن پردازد. متعهد له سفته، شخص دارنده سفته می باشد که مستحق دریافت وجه سفته از متعهد سفته می باشد.



بند سوم: چک

در معنای لغوی چک عبارت است از: « چک کلمه ای است فارسی به معنی نوشته ای که به وسیله آن از پولی که در بانک دارند مبلغی دریافت داشته یا به کسی دیگر حواله دهند. » (معین، ۱۳۸۷: ۱۲۹)

« چک در کتاب های قدیم فارسی به معنای قبالة، حجت، منشور، عهدنامه و برات هم به کار رفته و معرب آن (جمع سکوک) است. » (عمید، ۱۳۸۹، ۴۸۶)

در تعریف اصطلاحی و حقوقی چک حقوقدانان چنین بیان داشته اند: « چک عبارت از سندی است که از سوی بانک ها و دیگر موسسات اعتباری قانونی (محال علیهم) در اختیار کسانی قرار داده می شود تا بدانند با آن وجوهی را که نزد آنها دارند کلاً یا بعضاً، شخصاً و یا توسط دیگری به نام یا در وجه حامل مسترد دارند. » (انصاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۹۹)

« چک سندی است که بر روی یک بانک کشیده می شود، برای پرداخت مبلغی که در بانک به حساب صادر کننده موجود است به دارنده چک. » (ستوده تهرانی، ۱۳۸۰: ۹۹) « چک سندی است به منظور پرداخت مبلغ معین که در حساب صادر کننده موجود است و بر روی بانک کشیده می شود تا در وجه یا به حواله کرد دارنده یا حامل پرداخت گردد. » (اسکینی، ۱۳۸۶: ۸۱) قانونگذار ایران در ماده ۳۱۰ ق.ت، در تعریف چک مقرر داشته: « چک نوشته ای است که به موجب آن صادر کننده وجوهی را که نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می نماید. »

بنا به مراتب یاد شده در چک نیز به مانند برات سه شخص نقش دارند:

الف) صادر کننده چک

شخصی که با صدور چک و در ضمن آن به محال علیه دستور پرداخت مبلغ مندرج در آن را به دارنده می دهد.

ب) دارنده چک

شخصی است که چک به نفع او صادر گردیده و حق مراجعه به بانک، جهت وصول وجه چک را شخصا" یا توسط دیگران دارد.

ج) محال علیه

شخصی است که وجه مندرج در چک که متعلق به صادر کننده است نزد او بوده و بایستی به محض ارائه چک توسط دارنده به وی پرداخت کند.

بخش سوم: بررسی و شناخت ظهر نویسی در اسناد تجاری

از نظر لغوی ظهر نویسی به معنای پشت نویسی، نوشتن پشت چک یا سفته می باشد. (عمید، ۱۳۸۹: ۸۴۷) ظهر نویسی نوشتن عبارت یا عباراتی است در پشت سند که مبین انتقال حق مندرج در سند مزبور و مثبت آن است. « ظهرنویسی طریقه انتقال حقوقی است که به برات تعلق می گیرد بدون اینکه این انتقال مشمول تشریفات انتقال طلب طبق مقررات قانون مدنی گردد. ظهرنویسی، انتقال مکرر برات را تسهیل می نماید. ظهرنویسی برات فقط یک طریقه سهل تر واگذاری طلب نیست بلکه یک عمل



حقوقی است که به صدور برات بستگی دارد و آثار آن با آثار انتقال طلب عادی تفاوت دارد.» (ستوده تهرانی، ۱۳۷۴: ۵۲) در ظهر نویسی به منظور انتقال کلیه حقوق ناشی از سند تجاری به منتقل الیه، واگذار و انتقال داده می شود و ذینفع سند تجاری تغییر پیدا می کند و حق مطالبه حقوقی را که از سند تجاری ناشی می شود از متعهدین آن خواهد داشت.

بند اول: ظهر نویسی به منظور وکالت

در ظهر نویسی به منظور وکالت یا به عبارتی « ظهر نویسی برای وصول » دارنده سند تجاری بدون آنکه حقوقی را که از مالکیت بر سند تجاری دارد به دیگری واگذار کند با ظهر نویسی شخص دیگری را مامور می کند تا نیابتاً اقداماتی را که جهت وصول وجه سند تجاری در سر رسید ضرورت دارد به اجرا در آورد. فایده این نوع ظهر نویسی در این است که دریافت وجه سند تجاری توسط اشخاص ثالث تسهیل می گردد و دارنده را از مراجعه مستقیم به متعهد سند تجاری به منظور وصول وجه سند تجاری معاف می سازد. اغلب تجار با اعطاء وکالت در وصول، بانکی را که در آن حساب دارند مامور وصول وجه سند می کنند و بانک در قبال دریافت اجرت، وجه سند را وصول نموده و به حساب مشتری واریز می کند. در ظهر نویسی به عنوان وکالت، دارنده جدید به عنوان وکیل باید حساب عملیات خود را به موکل ارائه دهد و چنانچه اقدام لازم برای وصول وجه سند تجاری در مواعد مقرره ننماید در مقابل ظهر نویس مسئول است. ماده ۲۴۷ قانون تجارت چنین مقرر داشته است: « ظهر نویسی حاکی از انتقال برات است. مگر اینکه ظهر نویسی وکالت در وصول را قید نموده باشد

که در اینصورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده حق وصول ولدی الاقتضاء حق اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت، جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد.» استناد به ایراداتی که علیه ظهنویسی ممکن است اقامه شود متصور بوده و لیکن در قبال دارنده ای که به عنوان وکیل و به حساب دیگری عمل می نماید امکانپذیر نمی باشد.

« ظهنویسی که برات را بعنوان وکالت به دیگری واگذار می کند در هر موقع می تواند وکیل خود را معزول کند یا مسئولین برات را مورد تعقیب قرار دهد. ولی عزل وکیل باید به اطلاع گیرنده برات برسد یا اینکه ظهنویسی بعنوان وکالت در وصول باطل شود والا چنانچه برات گیر مبلغ برات را در مقابل اخذ برات به دارنده براتی که برات با ظهنویسی به عنوان وکالت به او واگذار شده است پرداخت نماید، بری الذمه خواهد بود. » (ستوده تهرانی، ۱۳۷۴: ۵۵) می توان گفت که در ظهنویسی سند تجاری به عنوان وکالت در وصول، مقررات وکالت بر روابط فیما بین ذیحق (ذینفع سند تجاری) و ذی اختیار (وکیل) حاکمیت دارد و وکیل باید به خواسته های موکل احترام بگذارد. لازم به ذکر است با عنایت به مقررات ویژه قانون وکالت علی الخصوص ماده ۵۵ آن قانون: دخالت اشخاص به عنوان وکیل در محاکم مستلزم داشتن پروانه وکالت رسمی بوده و اشخاص فاقد پروانه وکالت رسمی از دخالت مستقیم جهت طرح دعوی و دفاع ممنوع هستند. فلذا شخص دارنده سند تجاری به عنوان وکیل در وصول وجه آن نمی تواند مستقیماً برای وصول وجه، اقامه دعوا کند بلکه جهت حفظ استیفاء حقوق موکل خود (مالک سند تجاری) می تواند به توسط وکیل دادگستری اقامه دعوا نماید. در خصوص فوت یا حجر ظهر نویس (مالک



سند تجاری) و تاثیر آن بر وکالت در وصول، قانون تجارت ایران ساکت بوده ولی با توجه به قواعد عام حاکم بر وکالت می توان گفت که در صورت فوت یا حجر مالک و ذینفع سند تجاری (ظهنویس) وکالت در وصول وجه سند تجاری نیز منفسخ می گردد و دارنده جدید (وکیل) خود به خود عزل گردیده و وکالت وی در وصول وجه سند تجاری منتفی می گردد.

- ✓ نکته اول: حسب ماده ۱۸ قانون متحدالشکل ژنو در خصوص برات، با حادث شدن فوت یا حجر ظهنویس پس از انجام ظهننویسی در وکالت در وصول، موجب انتفاء وکالت در وصول نمی شود و وکیل در چنین صورتی می تواند کلیه اقدامات قانونی مربوطه را جهت استیفاء حقوق مالک برات انجام دهد.
- ✓ نکته دوم: قانون تجارت ایران در خصوص ظهننویسی مجدد برات توسط دارنده جدید (وکیل در وصول) ساکت است و تکلیفی مقرر ننموده است به نظر می رسد امکان ظهننویسی مجدداً توسط وکیل در وصول وجه سند تجاری، خارج از حیطه اختیارات اوست و نمی تواند مجدداً به عنوان وکالت در وصول نسبت به ظهننویسی اقدام نماید و لیکن حسب قانون متحدالشکل ژنو ظهننویسی مجدد برات، دارنده جدید (وکیل) صرفاً می تواند برای وکالت در وصول نسبت به ظهننویسی مجدد برات اقدام نماید ولی حق ظهننویسی به منظور انتقال برات را ندارد.

بند دوم: ظهرنویسی به منظور وثیقه

هدف از ظهرنویسی به عنوان وثیقه این است که دارنده اسناد تجاری با اخذ مبلغی از موسسات اعتباری مثل بانکها، به عنوان وام یا اعتبار یا عناوین دیگر، تسهیلات لازم معاملات تجاری خود را فراهم آورد. سابق براین، در قلمرو معاملات، به اموال مادی اعم از منقول و غیر منقول بها داده می شد، با توسعه روز افزون اسناد تجاری به عنوان اموال اعتباری، سرمایه نوینی در جامعه تجلی کرد و وسیله پرداخت، واسطه معاملات، معیار سنجش و ذخیره کنند ارزش اشیاء و خدمات به حساب آمد. امروزه اموال مادی منقول و غیر منقول اشخاص، ملاک سرمایه واقعی و منحصر به فرد آنها محسوب نمی شود، بلکه حجم و نوع اسناد تجاری مثل اوراق بهادر این نقش را ایفاء می کند و خاصیت زاینده گی آن ها، در بسیاری از موارد، بیشتر از اموال مادی است. در ظهرنویسی به عنوان وثیقه، مثل وثیقه گذاری اموال مادی از اعم از منقول و غیر منقول، مالکیت اسناد تغییری نمی کند، بنابراین دارنده چنین سندی، علی القاعده تمام حقوق ناشی از ظهرنویسی، باستثنای حق ظهرنویسی برای انتقال را دارد و چنانچه دارنده سند آن را ظهرنویسی کند، ظهرنویسی وی حکم ظهرنویسی بعنوان وکالت را خواهد داشت (اخلاقی، ۱۳۶۸: ۴) بنابراین با توجه به اینکه اسناد تجاری خاص دارای ارزش مالی بوده این امکان متصور بوده که بوسیله دارنده آن (ذینفع سند تجاری) برای تحصیل اعتبار به وثیقه گذاشته شوند. در اینصورت مالکیت سند تجاری انتقال نمی یابد. « این رویه در بانکها خیلی معمول است و اغلب تجار برای تحصیل اعتبار، بروات خود را در بانک وثیقه می گذارند. معمولاً برواتی که در بانکها به وثیقه گذاشته می شوند از طرف دارنده برات ظهرنویسی سفید می



شوند تا بانک بتواند در صورت لزوم آن را به حساب خود وصول نماید ولی در این صورت در مقابل اشخاص ثالث مالکیت برات منتقل شده و بانک دیگر طلبکار دارای وثیقه محسوب نمی گردد بلکه دارنده برات خواهد بود.» (ستوده تهرانی، ۱۳۷۴:۵۵) قانون تجارت ایران در خصوص ظهنویسی به عنوان وثیقه ساکت است و تصریحی در خصوص موضوع ندارد. در مفهوم اصطلاحی، قبولی به معنای اعلام پذیرفتن تعهد یا پذیرفتن تملیک (در عقد تملیکی) می باشد که متعاقب ایجاب که اعلام تعهد یا اعلام تملیک می باشد ابراز و اعلام می گردد و عقد در نتیجه پیوستن قبول به ایجاب واقع می گردد و قبول چیزی جز رضای به ایجاب و پذیرش آن نیست و باید بین ایجاب و قبول از لحاظ محتوا و مضمون تطابق کامل باشد، در صورت عدم توافق و تطابق کامل میان ایجاب و قبول در نوع و موضوعات اصلی عقد، عقد محقق نمی گردد. « در قبول مانند ایجاب قصد باید اعلام شود و اراده حقیقی بر فرض وجود، کافی برای حصول عقد نمی باشد، این است که سکوت نمی تواند کاشف از قصد گردد»

بخش چهارم: نگاهی به مزایا و اوصاف حاکم بر اسناد تجاری

قبل از هر توضیح باید گفت این اوصاف مولود عرفهای بازرگانی بودند که بنابه نیاز بازرگانان ایجاد و تدریجا مورد حمایت قوانین موضوعه نیز قرار گرفتند.

بند اول: وصف تجریدی

اصولا صدور اسناد اعم از مدنی و تجاری مبتنی بر یک رابطه حقوقی منشا است. کسی خانه ای می خرد و سند خرید و فروش آن، میان فروشنده و خریدار امضاء میشود. صرفنظر از این که سند خرید و فروش خانه موصوف، به صورت مبیعه نامه عادی تنظیم شود یا سند انتقال رسمی، آنچه مهم است این که، منشا صدور چنین سند غیرتجارتی، همان معامله میان خریدار و فروشنده میباشد. در اسناد تجارتي نیز عینا وضع به همین منوال است. تاجری اقدام به خرید مالالتجاره میکند و پرداخت ثمن آن را به وسیله صدور یک سند تجارتي، در سر وعده تعهد مینماید. در اینجا نیز صدور سند به علت وجود یک رابطه حقوقی منشا است یعنی همان معامله خرید و فروش مالالتجاره، لذا از حیث وجود یک رابطه منشا، اسناد مدنی و تجاری مشابهت دارند اما آنچه موجب تمایز میان اسناد تجاری و مدنی گردیده و به صورت خصیصه ای انحصاری جزء اوصاف اسناد تجاری درآمده است (وصف تجریدی)، این است که در مورد اسناد تجاری، بر اثر صدور سند، رابطه حقوقی جدیدی ایجاد میشود که متکی به خود سند است و حیات آن وابسته به رابطه حقوقی منشا سند نمیشود. به عبارت دیگر سند تجارتي به هر دلیل که صادر شده باشد (رابطه حقوقی منشا) پس از صدور، موضوعیت میابد و رابطه حقوقی مستقل و مجردی را ایجاد می کند که متکی به خود سند است نه منشا آن.



بند دوم: وصف تنجیزی

در قلمرو حقوق مدنی، اعمال حقوقی تابع شرایط خاصی بوده و عقود حسب مورد طبق ماده ۱۸۴ قانون مدنی ممکن است مشروط یا معلق باشند. (گرچه در خصوص صحت عقد معلق اختلاف نظر هست لیکن به اعتقاد برخی، تعلیق در انشاء صرفاً موجب بطلان عقد بوده و تعلیق در منشا بلا اشکال می باشد و به همین اعتبار هم عقد معلق جزء یکی از اقسام عقود صحیحه مندرج در ماده ۱۸۴ قانون مدنی آمده است) برعکس در قلمرو حقوق تجارت شرط و قید با طبیعت اسناد تجاری سازگاری ندارد و با روح این رشته حقوقی به ویژه با قاعده عمومی تسریع و تسهیل گردش اسناد تجاری منافی است. طبیعت سند تجاری اقتضا می کند متضمن هیچ گونه شرطی نباشد چرا که هر قید و شرطی مانع از ایفای نقش صحیح و اصولی سند تجاری خواهد بود.

بند سوم: وصف شکلی

به طوری که ماده ۲۲۳ قانون تجارت مقرر داشته است، شرایط شکلی سند تجاری از آن چنان اهمیتی برخوردار است که فقدان آن موجب خروج از زمره اسناد تجاری می گردد. جنبه شکلی اسناد تجاری (در حقوق تجارت ایران و کنوانسیونهای ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ ژنو) اهمیت فوق العاده ای داشته و نقایص شکلی موجب بی اعتباری میگردد. لزوم احترام به شکل و صورت سند، بدین جهت است که به امضاء کنندگان سند تفهیم نماید، تعهد ایشان جنبه تجریدی دارد (جنیدی، ۱۳۷۵: ۲۵)

بند چهارم: وصف قابلیت انتقال

یکی از اوصاف بسیار مهم اسناد تجارتي، قابلیت واگذاري و مبادله آن است چندان که این اسناد را غالبا با همین وصف اسناد مبادله ای می خوانند. گردش اسناد تجارتي در اقتصاد امروز نقش گستردهای دارد و درآمد سرشاری را نصیب کشور می نماید از سوی دیگر اساس کار بازرگانان را نیز تشکیل می دهد به طوری که با گردش این اسناد اعمال بازرگانی میسر میگردد. بدین ترتیب قابلیت انتقال اسناد تجارتي، یکی از لوازم کار بازرگانان است و از همین رو در همه نظامهای حقوقی شناسایی شده است (مسعودی، ۱۳۷۹: ۹-۶)

بند پنجم: شرایط صدور از جهت تنظیم و تسلیم سند تجاری

منظور «تنظیم» یا «تحریر» نوشتن مندرجات مربوط به سند تجاری بر روی آن است. در تحریر و تنظیم اسناد تجاری خاص در قانون تجارت ایران مقرراتی تدوین گردیده است. ماده ۲۲۳ قانون تجارت در تنظیم ورقه برات از لحاظ شکلی مواردی را لحاظ نموده که درج بعضی از موارد جهت حفظ ویژگی تجاری بودن سند الزامی است و عدم درج آن موجب خروج سند از شمول مقررات راجعه به بروات تجاری می باشد. ماده ۲۲۳ قانون تجارت ایران: «برات علاوه بر امضاء یا مهر برات دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد:

۱- قید کلمه برات در روی ورقه

۲- تاریخ تحریر (روز و ماه و سال)



۳- اسم شخصی که باید برات را تادیه کند.

۴- تعیین مبلغ برات

۵- تاریخ تادیه وجه برات

۶- مکان تادیه وجه برات اعم از این که محل اقامت محال علیه باشد یا محل دیگر.

۷- اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخته می شود.

۸- تصریح به این که نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است.»

ماده ۲۲۶ ق ت مقرر می دارد: « در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجارتي نخواهد بود.»

« واژه صدور به درستی ناظر بر تنظیم سند و تحویل آن به ذینفع است. » (صقري، ۱۳۸۷: ۸۷) بنابراین تعهد ناشی از سند تجاری با تنظیم و تحریر سند تجاری از ناحیه صادر کننده با لحاظ شرایط قانونی و تسلیم و تحویل سند تجاری به محال له (ذینفع) ایجاد می گردد. در فرضی که اثبات گردد تسلیم و تحویل سند تجاری موخر بر تاریخ تنظیم آن بوده، عدم اهلیت متعهد سند در تاریخ تسلیم مشاء اثر بوده و می تواند موجب تزلزل متعهد سند تجاری شود. ممکن است شخص اوراق مختلفی را در وجه شخص معین و یا به حواله کرد او تنظیم نموده و نزد خود نگاه دارد تا زمانی که این اسناد در اختیار امضاء کننده بوده و به تصرف غیر داده نشده است برای تنظیم

کننده، تعهد آور نیست. در زمینه اسناد تجاری، بر خلاف مورد حقوق عینی بر اشیاء که حق مالی بدون تسلیم انتقال می یابد، واگذاری سند تجاری به عنوان مال منقول غیر مادی شرط انتقال آن به ذی نفع قرار دارد». (صقری، ۱۳۸۷: ۱۰۱) بنابراین اطلاق «صدور» در یک سند تجاری زمانی تحقق می یابد که عمل مادی تحویل یا تسلیم حذف سند تجاری به ذینفع انجام پذیرفته و «تسلیم» موجب قطعیت معامله براتی و مسئولیت صادر کننده سند تجاری را در قبال ذینفع (تحویل گیرنده) در پرداخت وجه موضوع تعهد تجاری را به همراه دارد. لازم به ذکر است معامله براتی در زمان تکمیل خود، یعنی هنگام تسلیم و تحویل سند تجاری لزوماً تابع شرایط اساسی صحت معاملات مذکور در ماده ۱۹۰ ق.م.ا است.

بخش چهارم: بررسی و تحلیل ضمانت در اسناد تجاری به عنوان مزیت در اسناد تجاری

ضمان در لغت به معنی قبول کردن، پذیرفتن و بر عهده گرفتن وام دیگری است و در اصطلاح ملزم شدن به این است که هرگاه کسی به عهد خود وفا نکرد از عهده خسارت برآید و در لغت به معنی پابندانی و کفیل شدن و تعهد کسی را کردن نیز آمده است. (معین، ۱۳۸۷: ۷۳۴) و ضمانت نیز به معنای ضامن شدن، کفیل شدن و برعهده گرفتن می باشد. (عمید، ۱۳۸۹: ۸۳۳) از نظر اصطلاحی «ضمان دارای دو معنی است، معنی اعم و آن تعهد به مال و یا نفس انسانیست و به این معنی ضمان شامل حواله حواله و کفالت می شود، و معنی اخص آن تعهد به مال است که در ذمه دیگری قرار دارد.» (امامی، ۱۳۷۲: ۲۵۲) ضمان به فتح ضاد از ریشه «ضَمِنَ» به معنای کفیل شدن، در عهده گرفتن، بر عهده گرفتن، ضامنی، ضمانت، پذیرفتاری و



پذیرفتن است (انصاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۷۴) ضمان به معنی در برداشتن است، دلیل این امر این است که آن چه در ذمه مدیون است، در ذمه دیگری قرار می گیرد، و ذمه ضامن آن چه را که در ذمه مضمون^۱ عنه بوده است، در برخواهد گرفت. (امامی، ۱۳۷۰: ۲۵۲) به طور کلی هرگاه شخص ثالثی تعهد و دینی را که بر گردن شخص بدهکاری بار شده برای ایفاء این دین برعهده بگیرد و این موضوع مورد قبول مضمون^۲ له (طلب کار) باشد، عقد ضمان محقق شده است. چنین ضمانی را ضمان عقدی یا قراردادی می گویند. (رودیجانی، ۱۳۹۰: ۴۵) ضمان را می توان از ضَمِنَ، يَضْمُنُ مشتق دانست که در این صورت دین مدیون اصلی در ضمن ذمه ضامن قرار می گیرد که در این صورت بعد از ضمانت ضامن از مضمون^۳ عنه برائت ذمه مضمون^۴ عنه از دین فراهم نمی شود بلکه به جای یک نفر درمقابل بستانکار متعهد پرداخت دین می شوند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۱۴۲) قبول هر یک از دو تعریف که ضمانت را به گونه ای خاص معرفی می کند و آثاری که بر آنها مترتب می شود متفاوت است. در حقوق ایران هر دو نظر مورد توجه قرار گرفته است، به این معنی که در قانون مدنی ضمان را موجب نقل ذمه به ذمه و در سایر قوانین باعث ضم^۵ ذمه به ذمه دانسته اند. بر اساس برخی مقررات قانون تجارت، ضمانت تضامنی بوده و موجب ضم ذمه ضامن به مضمون عنه می گردد. ماده ۲۴۹ ق.م. به مسئولیت تضامنی متعهدین سند تجاری اشاره دارد. وفق مقررات قانون تجارت، پس از تحقق ضمانت، ضامن متعهد به پرداخت وجه سند به ذینفع می گردد بدون آنکه مضمون عنه بری شده باشد و با تحقق ضمانت به متعهدین سند تجاری افزوده می شود و در صورت پرداخت وجه سند تجاری توسط ضامن به دارنده سند تجاری، ضامن وفق مقررات

مربوط می تواند به مضمون عنه و امضاء کنندگان سند تجاری رجوع کند. قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت مقرر داشته: «... ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است» فی الواقع می توان گفت که ضامن در حکم مضمون عنه بوده فلذا هر ایرادی که مضمون عنه بتواند علیه دارنده سند تجاری عنوان کند ضامن نیز حق استفاده از آن ایراد را دارد به عنوان مثال چنانچه دارنده سند در مهلت قانونی نسبت به واخواست یا اقامه دعوی اقدام ننموده باشد و به علت انقضای مهلت مسئولیت ظهن نویس از بین رفته باشد ضامن ظهر نویس هم تبعاً "مسئولیتی نخواهد داشت و همچنین دین مضمون عنه به نحوی از انحاء ساقط شده باشد ضامن نیز بری الذمه می شود. دارنده سند می تواند در طول مدتی که مضمون عنه مسئول پرداخت است به ضامن او رجوع کرده یا علیه ضامن و مضمون عنه متفقاً طرح دعوی نماید و با توجه به مراتب معنون و مقررات قانونی می توان ضمانت را عبارت از تعهدی دانست که شخص ثالث یا حتی خود امضاء کننده سند به عنوان دارنده حق امضاء به شخص حقوقی به عنوان ثالث از طرف یکی از متعهدین سند نسبت به پرداخت آن در سررسید با رعایت شرایط قانونی بر عهده می گیرد.

بخش پنجم: اصول حاکم بر اسناد تجاری

مهمترین اصول حاکم بر اسناد تجاری، شامل اصل عدم توجه ایرادات، اصل استقلال امضاءها، اصل استقلال تعهد، اصل اشتغال ذمه و اصل مدیونیت می باشد که به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.



بند اول: اصل عدم ایرادات در اسناد تجاری

ارائه تعریفی جامع و مانع از اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در مقابل دارنده با حسن نیت سند تجاری، همانند تعریف اغلب پدیده های حقوقی، دشوار و بلکه ناممکن است، از این رو؛ به هدف آشنایی اجمالی با اصل، تعاریفی ارائه می شود صرف نظر از انتقاداتی که ممکن است نسبت به هر یک وارد آید؛ لذا ابتدا تعاریف موجود در قوانین داخلی و معاهده های بین المللی و سپس تعاریف حقوق دانان از این اصل ارائه می شود. ماده ۱۷ کنوانسیون ژنو راجع به برات و سفته که بیش از ۲۹ کشور بدان ملحق شده اند و اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات را چنین تعریف کرده است. اشخاصی که به موجب برات علیه آنها طرح دعوا شده است، نمی توانند در مقابل دارنده برات به روابط خصوص خود با براتکش یا با دارندگان قبلی برات استناد کنند؛ مگر آنکه دارنده هنگام دریافت برات آگاهانه به زیان بدهکار عمل کرده باشد. این تعریف اگر چه ناظر به برات است، اما با توجه به قاعده دیگر که کلیه اسناد تجاری به مفهوم خاص را مشمول احکام واحد قرار داده است، سایر اسناد را نیز در بر می گیرد. ماده ۷۷ ک.ژ راجع به برات و سفته، اصل مذکور را در مورد سفته نیز جاری می داند. علاوه بر آن ک.ژ راجع به چک نیز در ماده ۲۲ مفاد ماده ۱۷ کنواسیون مذکور را تکرار کرده است. تعریف مزبور، تقریباً "مفاد اصل و حدود و ثغور آن را معرفی می کند، اما لااقل با یک ابهام اساسی در مفهوم عبارت (شخصی) روبه روست؛ چرا که از مفهوم مخالف این تعریف، این نتیجه به دست می آید که ایرادات ناشی از روابط فاقد وصف خصوصی، قابل استناد خواهد بود؛ بدین ترتیب، وجه ممیز روابط خصوصی از سایر روابط در تعریف مذکور روشن نیست. یکی از

آثار مهم اصل استقلال امضاها، غیر قابل استناد بودن ایرادات در برابر دارنده با حسن نیت است. به بیان ماده ۱۷ قانون متحدالشکل ژنو، اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات به این معناست که صاحبان امضای مورد تعقیب نمی توانند در برابر دارنده برات به روابط شخصی خود با براتکش یا دارندگان قبلی برات استناد کنند و منظور از روابط شخصی، همه روابط معاملاتی است که موجب صدور یا انتقال سند مزبور شده و همچنین اموری مانند پرداخت وجه برات یا تهاتر، تبدیل تعهد، که بین صاحبان امضا یا براتکش یا دارندگان قبلی (ید سابق) واقع می شود، با توجه به تعریف مزبور، فقط ایراداتی قابل استناد نیست که مربوط به روابط شخصی باشد، اما اگر ایرادی مربوط به خود سند و تعهد براتی باشد، از قبیل ایراد مجعول بودن امضا یا عدم اهلیت صادر کننده در حین صدور سند در مقابل دارنده قابل استناد است. همچنین که از تعریف فوق بر می آید، ایرادات فقط در مقابل ید یا یدهای غیر مستقیم و با واسطه، قابل استناد نیست، اما در مقابل شخصی که سند مستقیماً به او واگذار یا منتقل شده است، این ایرادات قابل استناد است. هرچند که تفکر جدیدی در راستای تقویت اسناد تجاری قوت گرفته است که به موجب آن حتی در مقابل ید مستقیم نیز نمی توان به ایرادات ناشی از تعهد پایه استناد جست، لکن این نظریه در قانون و رویه قضایی ایران پذیرفته نشده است. در مقابل کنواسیون یکنواخت ژنو، دو منبع مهم حقوق اسناد تجاری در (قانون بروات انگلیس و قانون تجارت آمریکا) از ارائه تعریف خودداری کرده و مستقیماً به بیان احکام و فروع مسئله پراختند. بعلاوه کنواسیون برات و سفته بین المللی مصوب ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد نیز تحت تأثیر فاقد تعریفی از اصل می باشد. پس قانون تجارت ایران اشاره ای صریح به اصل عدم توجه ایرادات ندارد، اما



تأسیس قواعد حاکم بر مسئولیت تضامنی، ظهرونیسی، قبولی برات و آثار آن بدون قبول تلویحی اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات امکان پذیر نبوده است و در نتیجه می توان گفت مفهوم اصل عبارت است از حقوقی که دارنده سند تجاری با اعتماد متعارف به ظاهر سند برای خویش تصور کرده است و قانون گذار آن را به رسمیت شناخته و مورد حمایت اوست. (اسکینی، ۱۳۸۹: ۱۷) بنابراین یکی از اصول حاکم بر اسناد تجاری، اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات در مقابل سند تجاری می باشد طبق این اصل، اسناد تجاری به خودی خود معرف طلب صاحب آن می باشند و روابط حقوقی که ممکن است بین امضاء کنندگان و ظهرونیسان موجود باشد و ادعاهایی که هر یک از آنها بر دیگری درباره معامله ای که به صدور سند تجاری منجر شده است، در حقوق صاحب سند تجاری، تأثیری ندارد و سند تجاری گردش کرده و از طرف دارنده اصلی به دیگری منتقل شده و یک سند مستقل از رابطه حقوقی اصلی است. اگر سند شرایط تعیین شده از سوی قانون را دارا نباشد، هر کسی می تواند ایراد بگیرد و بگوید این نوشته برات یا چک نیست، بنابراین اسناد تجاری باید واجد شرایط شکلی و صوری مقرر در قانون تجارت باشد یا اگر ثابت شود که امضاکننده در زمان امضا، محجور (مجنون، سفیه، صغیر و ورشکسته) بوده است، آن امضاکننده از دور خارج می شود و ایراد قابل استناد است همچنین در صورتی که امضای مندرج در سند تجاری جعل شده باشد امضاکننده سند می تواند از پرداخت وجه سند خودداری کند استثنائات اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در مقابل سند تجاری به شرح ذیل اعلام می داریم سند بر اصل مزبور، استثنائاتی وارد است که به شرح ذیل مورد بررسی قرار می گیرند.

بند دوم: ایراد به شرایط صوری

اسناد تجاری باید واجد شرایط صوری مقرر در قانون تجارت باشند، شرایطی که به شکل و ظاهر سند مربوط است. عدم رعایت این شرایط، سند را از تجاری بودن و امتیازات خاص آن از جمله مسئولیت تضامنی امضاکنندگان، اصل استقلال امضاها و عدم توجه ایرادات خارج می‌سازد. به عنوان مثال چنانچه در برات نام محال‌علیه (براتگیر) ذکر نشده باشد با توجه به مواد ۲۲۳ و ۲۲۶ قانون تجارت، مقررات مربوط به بروات تجارتي در مورد آن جاری نخواهد بود. در اینصورت هر امضاکننده می‌تواند در مقابل دارنده با حسن نیت یا حتی بدون حسن نیت ایراد کند. یا اگر در انتقال سند مقررات ظهنویسی رعایت نگردد مسئولیتی متوجه ظهن‌نویس نخواهد بود. زیرا استفاده از تضمینات قانونی و امتیازات مربوط از سوی ذینفع، موکول به تنظیم و انتقال صحیح این اسناد است، همچنان که اگر دارنده، تکالیف مربوط به مرحله اجرای سند مانند واخواست و اقامه دعوی در مهلت‌های مقرر قانونی را انجام ندهد حق مراجعه به ظهن‌نویسان و ضامنین آنها را از دست می‌دهد و امضاکنندگان مذکور می‌توانند در مقابل دارنده ایراد عدم مسئولیت نمایند.

بند سوم: ایراد مربوط به عدم اهلیت و فقدان شرایط اساسی صحت معاملات

در معاملات اسناد تجاری همانند سایر معاملات، باید شرایط اساسی صحت معاملات وجود داشته باشد. در قانون تجارت (از جمله مواد ۲۳۰، ۲۳۱ و ۲۴۹) که مسئولیت متوجه امضاءکنندگان سند تجاری تحت عناوین مختلف گردیده، مربوط به مواردی است که امضائات معتبر و موجد تعهد باشد بنابراین اگر امضاکننده واجد اهلیت



قانونی (بلوغ، عقل و رشد) برای صدور، ظهرونی، قبولی و ضمانت نباشد می‌تواند در مقابل دارنده ایراد عدم مسئولیت نموده و به بطلان تعهد خود استناد کند یا اگر فاقد قصد و رضا بوده، مثلاً به اجبار سفته‌ای را صادر، ظهرونی یا ضمانت نموده است و یا علت انجام معامله مشروع و قانونی نبوده، مثلاً در مقام پرداخت دین مربوط به قمار یا معامله ممنوعه اقدام به صدور و معامله سند نموده است می‌تواند در مقابل دارنده طرح ایراد نماید. البته، همان گونه که گفته شد چنانچه سند مورد معامله قرار گرفته و واجد امضاهای متعدد باشد، بر اساس اصل استقلال امضاها و حفظ حقوق اشخاص ثالث، امضائات معتبر ایجاد مسئولیت می‌نماید و صاحبان آن در مقابل دارنده بدون سوءنیت مسئول پرداخت بوده و نمی‌توانند به بطلان سند و یا امضاء غیرمعتبر استناد نمایند. بدیهی است اشخاصی که امضای آنها جعل شده می‌توانند در مقابل دارنده، ایراد کنند. در مورد تزویر و الحاق خلاف واقع در متن سند نیز هر امضاکننده در حدود آنچه رضایت داده است مسئولیت خواهد داشت. بنابراین تغییراتی که بعداً در سند ایجاد می‌شود به امضاکننده قبلی ارتباط پیدا نمی‌کند. همچنین است هرگاه صادرکننده یک شرط اختیاری در برات گذاشته باشد که در این صورت مسئولیت او در حدود همان شرط خواهد بود ۳ و می‌تواند نسبت به ادعاهای دیگر ایراد کند.

بند چهارم: ایراد به تهاثر دین ناشی از سند

عقل سلیم حکم می‌کند که در روابط شخصی میان بدهکار برات و دارنده آن، اصل عدم توجه ایرادات کنار گذاشته شود. امنیتی که حقوق برواتی برای برات قرار کرده

است، با قبول این فکر به خطر نمی افتد، بنابراین، براتگیر به رغم قبول برات می تواند در مقابل دارنده و در صورت وجود شرایط قانونی به تهاتر دین ناشی از برات و طلب خود از دارنده متوسل شود و از پرداخت خودداری کند، چون طبق ماده ۲۹۴ قانون مدنی، تهاتر (سقوط دو دین در مقابل هم) یکی از اسباب سقوط تعهدات است. همچنین است حالتی که برات بدون محل توسط براتگیر قبول شده و صادرکننده، پس از پرداخت وجه آن به دارنده، مجدداً دارنده برات می شود. در چنین حالتی عدم وجود محل نزد براتگیر می تواند در مقابل صادرکننده مطرح شود و نمی توان به صرف قبولی برات توسط براتگیر، صادرکننده را محق به مطالبه طلب ناشی از برات کرد. البته اگر غیر از صادرکننده شخص دیگری دارنده سند باشد ایراد براتگیر در مقابل دارنده به شرط داشتن حسن نیت وی، به اعتبار اصل استقلال امضاها و عدم قبول ایراد امضاکننده به روابط شخصی خود با براتکش پذیرفته نیست و باید مبلغ را بپردازد. اگرچه ایراد عدم اهلیت و فقدان سایر شرایط اساسی صحت معامله پایه (مبنایی) در اسناد تجاری قابل استناد نیست، اما اگر امضاکننده سند تجاری در حین صدور یا ظهنویسی سند تجاری محجور بوده و یا در حین صدور ظهنویسی سند مزبور، فاقد قصد بوده و یا سند مزبور برای پرداخت ثمن معامله نامشروعی صادر یا ظهنویسی شده (جهت نامشروع) حتی در مقابل دارنده با حسن نیت نیز قابل استناد است؛ چرا که در چنین مواردی اصولاً ایراد راجع به خود تعهد براتی است و نه تعهد پایه و حتی می توان گفت در بسیاری از این موارد مانند عدم اهلیت، جعل، عدم قصد، سند به صادرکننده قابل استناد نیست و در موردی که برای تعهد براتی نامشروع است، اجرای آن بر خلاف نظم عمومی است (نوری، ۱۳۸۳: ۱۷۰-۱۶۷)



بند پنجم: ایراد تحصیل مجرمانه سند

ارتکاب اعمال مجرمانه از قبیل کلاهبرداری و خیانت در امانت و سرقت و امثال آن و تحصیل سند به روش های مزبور هرگز منشاء اعتبار و ارزش حقوقی نیست. اما به این سوال که آیا ایراد تحصیل مجرمانه سند در رابطه با دارنده با حسن نیتی که از منشاء صدور سند و روابط ایادی قبلی اطلاعی ندارد، قابل استماع است یا خیر، پاسخ یکسانی داده نشده است. عده ای معتقدند، ایراد مدعی حتی بر علیه دارنده با حسن نیتی که از مجرمانه بودن نحوه تحصیل سند بی اطلاع است نیز مسموع خواهد بود چرا که ادعای او نتیجه حمایت اصولی جامعه بوده و استماع چنین ایرادی را تجویز می نماید. بدون شک مصالح عمومی جامعه بر مصلحت فردی اشخاص غلبه دارد و به همین لحاظ اصل حمایت از دارنده سند تجاری کاربرد خود را در این مقام از دست می دهد. شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب رای شماره ۳۵۴۱ در تاریخ ۱۹/۰۹/۱۳۸۱ در موردی چکی که از طریق خیانت در امانت تحصیل شده و به شخص ثالث منتقل گردیده است، با این استدلال که تحصیل چک از طریق مجرمانه در دست هر کس که باشد فاقد ارزش و اعتبار قانونی است، حکم به استرداد چک به نفع صادر کننده صادر نموده است. در بخشی از این رای آمده است: «در خصوص تجدیدنظر خواهی احمد... به طرفیت ابراهیم... نسبت به دادنامه شماره ۸۰۸ و ۸۰۹ صادره از شعبه ۲۱۶ دادگاه عمومی تهران در خصوص ادله چک مورد امانت به شماره... به مبلغ... ریال با توجه به محکومیت کیفری تجدیدنظر خوانده به شرح مفاد مندرج در دادنامه مزبور و اینکه چک مزبور در دست هر کس یافت گردد، به لحاظ اینکه از طریق مجرمانه تحصیل گردیده و در اختیار غیر گذاشته شده است فاقد

ارزش و اعتبار است و ذینفع می تواند جهت مطالبه خسارت به تجدیدنظر خوانده مراجعه نماید، لذا تجدیدنظر خواهی نامبرده را وارد و موجه تشخیص و مستندا به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی ضمن نقض قسمت اخیر دادنامه شماره... صادره از شعبه ۲۱۶ دادگاه عمومی تهران در خصوص رد دعوی تجدیدنظر خواه مذکور در مورد استرداد چک مورد ادعا توسط تجدیدنظر خوانده، حکم به استرداد چک فوق الذکر به تجدید نظر خواه صادر و اعلام می گردد.» عده ای دیگر با این استدلال که در اسناد تجاری اختلافات صادر کننده چک و دارنده اول ارتباطی به دارنده با حسن نیت پیدا نمی کند، تحصیل مجرمانه توسط شخص اول را نسبت به دارنده با حسن نیت موثر ندانسته اند. شعبه ۲۱۶ دادگاه عمومی تهران به موجب رای شماره ۸۰۸ و ۸۰۹ مورخ ۰۲/۰۶/۱۳۸۱ در خصوص شکایت الف علیه ب مبنی بر خیانت در امانت نسبت به یک فقره چک و دادخواست استرداد چک در همان پرونده کیفری، علیرغم احراز خیانت در امانت و محکومیت کیفری متهم، در مورد استرداد لاشه چک به این استدلال که از آنجا که چک به مانند دیگر اسناد تجاری در دست دارنده با حسن نیت، اختلافات صادر کننده چک و دارنده اول ارتباطی به او پیدا نمی کند و چون در پرونده دلیلی بر سوء نیت دارندگان بعدی اقامه نشده است لذا دارنده فعلی چک به عنوان دارنده با حسن نیت بوده و استرداد چک از وی فاقد و جاهت قانونی بنظر میرسد، حکم به رد دعوا صادر نموده است.

استدلال گروه اول کافی نیست و تا حدی اغراق آمیز و بر خلاف وصف تجریدی است. نظر گروه دوم را هم نمی توان در همه موارد جاری کرد. زیرا مسئول دانستن شخصی که اراده ای در انتقال سند و به گردش در آمدن آن نداشته است، بر خلاف



نظم عمومی است. لذا به نظر می‌رسد باید بین حالتی که صادر کننده با اختیار و اراده سند تجاری را صادر و در اختیار گیرنده اولی قرار می‌دهد، با حالتی که بدون اختیار و اراده سند از دست او خارج می‌شود و به گردش درمی‌آید، تفاوت قایل شد. در حالت اول مثل مواردی از قبیل ادعای خیانت در امانت یا کلاهبرداری، ایراد تحصیل مجرمانه سند فقط در رابطه بین مدعی و شخص بلا فصل او باید شنیده شود و نسبت به دارنده با حسن نیت اصل عدم استماع ایرادات جاری گردد. ولی در حالت دوم مثل مواردی از قبیل سرقت یا مفقودی سند، تصرف سند و گردش آن که برخلاف اراده صادر کننده صورت گرفته، حتی نسبت به دارنده ای که از ماهیت و منشاء چنین سندی اطلاعی نداشته است، نباید متضمن ارزش و اثر حقوقی باشد. به این ترتیب برخلاف ایراد جعل امضا که اعتبار سند در قبال شخصی که امضایش جعل شده کلاً از بین می‌رود، ولی در ایراد تحصیل مجرمانه بهتر آن است که بین موردی که اراده شخص در به گردش درآوردن سند دخالت داشته است، با موردی که بدون اراده او سند به دست دیگران رسیده است، تفاوت قایل شویم.

بند ششم: ایراد به سوءنیت دارنده

اصل عدم توجه ایرادات و سایر حمایت‌های قانونی زمانی اعمال می‌شود که دارنده سند دارای حسن نیت باشد. دارنده ای دارای حسن نیت است که حین انتقال سند به او از چگونگی روابط شخصی میان متعهدین آن که به اعتبار سند و مالکیت آن لطمه وارد می‌سازد آگاهی نداشته باشد. پس در صورت آگاهی از عدم وجود رابطه حقوقی واقعی میان امضاکنندگان مانند موردی که امضای شخصی به عنوان

صادرکننده برات جعل شده و براتگیر نیز اعلام قبولی کرده باشد دارنده، نمی تواند از براتگیر مطالبه وجه نماید. زیرا، احراز سوءنیت وی مبنی بر دارا شدن غیر عادلانه و به زیان براتگیر قوی به نظر می رسد و براتگیر می تواند علیه او ایراد کند. همچنین است در مواردی که رابطه حقوقی به موجب سند تجاری میان امضاکنندگان بوجود آمده است و ایراد متعهد هم به دلیل اصل استقلال و اعتبار امضاها در مقابل دارنده با حسن نیت پذیرفته نیست اما در مقابل دارنده بدون حسن نیت (با سوءنیت) و آگاه از رابطه حقوقی میان امضاکنندگان ایراد پذیرفته می شود مانند موردیکه دارنده از عدم انجام تعهد ظهنویس به متعهد سفته (که تعهد مذکور علت صدور سند بوده است) آگاه بوده و سند را به زیان صادرکننده آن تحصیل کرده است. نتیجه این است که قانونگذاران ملی و بین المللی صراحتاً و یا تلویحاً اصل استقلال امضاها و عدم توجه ایرادات در اسناد تجاری را به حق مورد توجه قرار داده اند. این دو اصل همانند اصل مسئولیت تضامنی امضاکنندگان، برای حمایت هر چه بیشتر از دارنده با حسن نیت سند و نیز اعتبار سند در سطح ملی و بین المللی تاسیس و به رسمیت شناخته شده است. توجه به فرم و صورت ظاهر سند و رعایت شرایط صوری آن و عدم توجه به ایرادات و ادعاهای متعهدین و حتی بی تاثیر بودن محل برات در حقوق اسناد تجاری موجب اعتبار بیشتر و استقلال ذاتی سند می گردد و علاوه بر نزدیک ساختن کاربرد آن به پول اسکناس، اصول اعتبار و سرعت در معاملات تجاری را که همواره مورد توجه قانونگذاران بوده است، تقویت می نماید. قانون متحدالشکل ژنو صراحتاً و کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به برات و سفته بین المللی و نیز قانون تجارت ایران تلویحاً اصل استقلال امضاها و عدم توجه ایرادات در اسناد تجاری را مورد



توجه قرارداده‌اند. با وجود این شایسته است قانونگذار ایرانی در اصلاح مقررات قانون تجارت با در نظر گرفتن واقعیات و شرایط موجود اقتصادی و تجاری داخلی و بین‌المللی که امری ضروری به نظر می‌رسد، اصول یاد شده را بیش از پیش و صراحتاً مورد توجه قرار داده و مقررات مناسب آن را وضع نماید. (همان: ۱۷۲)

بند هفتم: اصل استقلال امضاءها

دومین اصلی که بر اسناد تجاری حکومت دارد، اصل استقلال امضاءها است. به موجب این اصل، هر امضاء بر روی سند به هر عنوان (اعم از صادر کننده یا ظهنویس یا ضامن) مستقل از دیگر امضاءها اعتبار دارد. بنابراین، اگر نسبت به امضای ظهنویس ایرادی (مثلاً ادعای جعل) مطرح گردد، صادر کننده نمی‌تواند از پرداخت وجه سند به دارنده با حسن نیت خودداری کند. زیرا صادر کننده به اعتبار امضای خود در قبال دارنده سند تجاری مسئولیت دارد. شعبه اول دادگاه حقوقی یک همدان در پرونده شماره ۴۹۳۹/۶۸، ادعای جعلی بودن امضای ظهنویس را بر فرض صحت ادعا موجب سقوط مسئولیت صادر کننده چک ندانسته و به این اعتبار دعوای خواهان را مردود اعلام کرده است. این رای که مورد تأیید شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور قرار گرفته است، به خوبی بیانگر اصل استقلال امضاءها است (بازگیر، ۱۳۷۸: ۵۶). به بررسی یک پرونده در این خصوص که در شعبه سیزدهم دادگاه حقوقی رشت قطعی شده است می‌پردازیم:

خواهان دادخواستی با عنوان مطالبه وجه چک به طرفیت دارنده و ظهنویس تقدیم شورای حل اختلاف (شعبه دهم) می‌نماید که به صورت غیابی منجر به صدور

رای می گردد که شورا به شرح ذیل رای غیابی صادر می نماید. بنابراین اگر برخی از امضاءها به دلایلی از قبیل نداشتن اهلیت، تقلبی یا جعلی بودن امضاء فاقد اعتبار شناخته شود؛ یا به واسطه هر ایرادی دیگری موجب عدم تعهد یکی از امضاء کنندگان سند گردد، تعهد سایر امضاء کنندگان به قوت خود باقی است و در این رای نیز دادگاه با عنایت به اصل استقلال امضاها در اسناد تجاری ظهنویس را به پرداخت وجه چک محکوم کرده است. در ماده ۱۰ کنوانسیون ۱۹ مارس ۱۹۳۱ ژنو راجع به قانون متحدالشکل در خصوص چک آمده است: « در صورتی که چک به امضای اشخاصی باشد که فاقد اهلیت جهت پذیرش تعهد از طریق چک هستند، یا چک متضمن امضاها یا مجعول یا امضای اشخاص موهوم و یا امضاهایی باشد که بنا به دلایل دیگری نتوان امضاکننده یا کسانی را که به نمایندگی از طرف آنان چک امضاء شده است متعهد نمود، مسئولیت سایر اشخاص امضاکننده چک به قوت خود باقی است » ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو (راجع به برات) نیز مقررات مشابهی دارد. اما در قانون تجارت ایران حکم صریحی در این باب مقرر نشده است.

بند هشتم: اصل استقلال تعهد

امضاء کننده سند تجاری، به صرف صدور یا ظهنویسی، پرداخت وجه آن را تعهد می نماید. این تعهد ناشی از امضای سند تجاری است که مستقل از دیگر اسباب بدهی می باشد. نفس صدور و امضای سند تجاری منشاء بدهی است. بنابراین براءت ذمه مدیون فقط از طریق پرداخت وجه سند حاصل می شود. نتیجه عملی اصل استقلال تعهد سند تجاری این است که نه تنها ادعای پرداخت وجه سند به ایادی قبلی دارنده سند پذیرفته نیست؛ بلکه اگر خواننده مدعی شود که وجه چک را به شخص خواهان



پرداخته‌ام و رسیدی هم از خواهان ارائه نماید، ولی خواهان مدعی شود که وجه مربوط به دین دیگری بوده و چک بابت بدهی جداگانه‌ای صادر شده است، در این صورت بار اثبات دلیل پرداخت وجه چک بر عهده متعهد سند تجاری است. زیرا اصل بر این است که بدهی ناشی از چک، بدهی مستقلی است و تا زمانی که لاشه چک نزد خواهان باشد، اصل بر بقای تعهد خوانده است. همچنین اگر صادر کننده ثابت کند که وجه چک را به شخص بلا فصل خود پرداخت نموده است یا با طلب دیگری که از او داشته تهاوتر شده است و برای اثبات ادعای خود دلیل هم داشته باشد، موجب برائت ذمه وی در قبال دارنده سند تجاری نمی‌شود. زیرا، با انتقال سند تجاری به شخص ثالث ذمه صادر کننده سند در مقابل دارنده مشغول می‌شود و پرداخت وجه سند به شخص بلا فصل (یا ایادی قبل از دارنده سند) به منزله پرداخت به غیر دائن محسوب است که موجب برائت ذمه نمی‌شود. نظریه دادگاه حقوقی یک تهران منعکس در رای شماره ۲۴/۳۱۱ مورخ ۱۳۶۹/۶/۸ شعبه ۲۴ دیوانعالی کشور، صرف نظر از استناد آن به ماده ۲۵۶ قانون مدنی، از حیث اینکه اصل استقلال تعهد ناشی از چک را پذیرفته است قابل توجه می‌باشد. مفاد نظریه مزبور به این شرح است: «در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۱۶ آقای (م) دادخواستی به خواسته مطالبه مبلغ چهار میلیون ریال وجه دو فقره چک شماره ۶۵/۲/۱۰۱۸۰۴۸۱ و شماره ۶۵/۲/۱۵۲۰۰۱۳۷ و شماره ۶۵/۲/۱۵۲۰۰۱۳۷ اولی عهده بانک تجارت و دومی عهده بانک صادرات علیه آقای (ب) به دادگاه حقوقی یک تهران تقدیم می‌دارد در جلسه مورخه ۶۶/۹/۲۵ خواهان اظهار می‌دارد که ما کاری گرفته بودیم که سفت کاری ساختمان برای آقای (ب) انجام بدیم متأسفانه اصل قرارداد گم کرده‌ام و در دسترس ندارم موضوع قرارداد سفت کاری

بود از قرار متری دو هزار تومان ولی در قرارداد متری هزار تومان نوشته شده بود و شفاها " قرار گذاشتیم متری دو هزار تومان چک سیصد هزار تومانی مربوط به همین قرارداد است اما چک صد هزار تومانی بابت پول نقدی که به او دادم در منزل و از او چک گرفتم ۰ کار به مرحله نازک کاری رسید ضمناً " قرار شد بابت دیوار کشی صد هزار تومان بدهد که در قرارداد قید نشده است چک سیصد هزار تومانی را بابت خرید مصالح ساختمان نازک کاری به من داده هرچه اصرار کردم حاضر به تصفیه حساب نشده و بابت این قرارداد فقط یک میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان به من داده شده است در صورتیکه می بایستی دو میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان میداد البته این چک سیصد هزار تومانی از بدهی ایشان است. اگر وجه نقدی به من داده باشند و سند نشان بدهند قبول دارم در جریان رسیدگی آقای (ف) به وکالت از خواننده وارد دعوی می شود و چنین دفاع می کند که چکهای مستند دعوی بابت قرارداد مورخه ۶۲/۱۱/۶ و در ید خواهان امانت بوده موکل طی چکهای ۱۸۰۴۶۵ ۶۴/۸/۱ به مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال شماره ۶۳/۱۰/۲۹۱۸۰۴۴۱ و ۱۸۰۴۵۶ ۶۳/۱۱/۱۰ هر کدام به مبلغ ۲۵۰/۰۰۰ ریال و حواله های نقدی از بانک صادرات گیرنده به مبلغ ۶۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری خواهان پرداخت کرده ضمناً " ده قطعه چک از شماره ۲۰۰۱۲۶ تا ۲۰۰۱۳۵ بانک صادرات ۲۰۹۹ جمعاً " به مبلغ ۷۶۰/۰۰۰ ریال که ارقام یاد شده شامل کل مبلغ قرارداد موصوف بوده و علاوه بر آن رسید مبالغی بابت پرداختهای بعدی نیز در ید موکل می باشد فتوکی قرارداد مورخ ۶۲/۱۱/۶ نیز تسلیم می شود خواهان اظهار میدارد قراردادی که آقای وکیل خواننده به دادگاه تسلیم نموده مورد قبول اینجانب می باشد و وجوه پرداختی توسط ایشان بر طبق حواله ها و



چک‌هایی که نقل کرده اند نیز مورد قبول می باشد. النهایه حرف من این است که علاوه بر این قرارداد که فقط مربوط به اسکلت سازی است کارهای دیگر هم (کلیه کارهای ساختمانی به استثنای لوله کشی آب و شوفاژ) برای خواننده انجام داده‌ام از قبیل سفت کاری، نازک کاری و غیره. (من جمله خرید کلیه مصالح بنایی) و حتی خواننده به خط خودش سفت کاری را متری دو هزار تومان حساب کرده است دادگاه قرار تحقیق و معاینه محلی صادر مینماید که به مرحله اجرا در می آید و سرانجام پس از کسب نظریه مشاور به این استدلال که بموجب مقررات مذکور در ماده ۲۶۵ قانون مدنی صدور چکها از ناحیه خواننده و تسلیم آن به خواهان دلالت بر اشتغال ذمه وی دارد مضافاً اینکه ادعای وکیل او مبنی بر اینکه چک‌های مستند دعوی در رابطه با قرارداد مورخ ۶۲/۱۱/۶ صادر گردیده و امانی است نیز فاقد دلیل می باشد و بر فرض که خواهان چکهای مستند دعوی را در رابطه با قرارداد مزبور از خواننده دریافت کرده باشد زمانی قابل استرداد می باشند که خواننده بدهی‌های مربوط به قرارداد موصوف را به خواهان پرداخت و با او تسویه حساب کرده باشد که نه تنها چنین تسویه حسابی ارائه نگردیده بلکه مدافعات وکیل او هم با توجه به کمیت و کیفیت کارهای انجام شده توسط خواهان بشرح منعکس در صورت مجالس معاینه و تحقیق محلی موجه نبوده و به هیچ وجه حاکی از برائت ذمه خواننده نمی باشد بر محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ... ریال بابت اصل خواسته و مبلغ... ریال بابت هزینه دادرسی در حق خواهان نظریه صادر می نماید « (بازگیر، ۱۳۷۹: ۶۵)

بند نهم: اصل اشتغال ذمه

وجود سند در ید مدعی، دلیل اشتغال ذمه امضاء کننده سند است. آراء متعددی از محاکم صادر شده است که بر این اصل تاکید نموده‌اند. رای دادگاه بدوی منعکس در دادنامه شماره ۱۸/۳۱۸/۷۳ مورخ ۱۳۷۴/۶/۱۹ شعبه ۱۸ دیوانعالی کشور متضمن این معنا است که اصل بر اشتغال ذمه است و ادعای خواننده مبنی بر پرداخت وجه چک به ید قبلی دارنده آن بر فرض صحت پرداخت دین از ناحیه مدیون به غیر داین است که چنین ادعایی قانوناً قابل اعتنا نمی باشد. در بخشی از رای مزبور آمده است: « آقای (الف) دادخواستی به خواسته صدور حکم بر محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ..... ریال به انضمام هزینه دادرسی به طرفیت آقای (ش) تقدیم دادگاه حقوقی آمل نموده و بشرح مذکور در دادخواست توضیح داده است خواننده به موجب سه نفر چکهای شماره..... جمعاً "مبلغ.... ریال به وی بدهکار و به استناد فتوایی چکها و برگشتی های بانک رسیدگی و صدور حکم را خواستار گردیده.... خواننده لایحه تقدیم داشته... و در آن اعلام داشته وجه یک فقره چک را پرداخت و رسید دارم... و خواهان نیز لایحه تقدیم داشته... و در آن اعلام داشته رسید مربوط به شخص دیگری و وی پول بابت چک نگرفته است... نظر به اینکه فتوایی مصدق چکهای اسنادی و گواهی های عدم پرداخت وجه آن که صحت صدور و اصالت آن مصون از ایراد خواننده می باشد دلالت بر اشتغال ذمه نامبرده به میزان خواسته در قبال خواهان دارد و دفاع خواننده بشرح لایحه ابرازی مبنی بر اینکه... وجه چک شماره... بموجب رسید مورخ... پرداخت شده است لذا موردی برای طرح دعوی نیست به نظر دادگاه موجه نمی باشد زیرا... فتوایی مصدق رسید مورخ... ابرازی خواننده ظاهراً"



حکایت بر دریافت مبلغ یک میلیون ریال توسط شخصی به نام... از خواننده دعوی بابت چک آقای (الف) دارد که این ادعای خواننده بر فرض صحت پرداخت از ناحیه مدیون بغیر داین است که با توجه به انکار خواهان از دریافت وجه مذکور طبق ماده ۲۷۱ قانون مدنی چنین ادعایی قانوناً قابل اعتنا نمی باشد و در آنجا که خواننده دلیل دیگری بر پرداخت وجوه مورد مطالبه و برائت ذمه خود ابراز و ارائه ننموده است بنابراین دادگاه دعوی خواهان را محمول بر صحت تشخیص و مستنداً به ماده ۳۵۷ قانون آئین دادرسی مدنی خواننده را به پرداخت مبلغ... ریال بابت اصل خواسته و مبلغ... ریال بابت هزینه دادرسی و دفتر بنفع خواهان محکوم می نماید» (بازگیر، ۱۳۷۹: ۸۸) رای اصراری شماره ۵۴۸-۳۸/۲/۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز مبین اصل اشتغال ذمه است. در این رای آمده است: «رای دادگاه استان به اینکه (مادتین ۳۰۱ و ۳۰۲ قانون آئین دادرسی مدنی ناظر به موردی است که یکی از طرفین برای اثبات امر وجودی از قبیل پرداخت استناد به دفاتر تجارتي خود نماید و چون پژوهشخواه منکر مدیونیت خود می باشد و انکار نیازی به دلیل ندارد و وجود سفته های مدرکیه با توجه به محرز شدن صدور آنها از ناحیه پژوهش خواه دلیل مدیون بودن او است و بر فرض موضوع سفته های مذکور هم ثبت نشده باشد این عدم ثبت دلیل بر بی اعتباری سفته و عدم اشتغال ذمه پژوهشخواه نیست؛ صحیح است» (متین دفتری، ۱۳۴۰: ۵۶)

مقتضای اوصاف و اصولی که برای اسناد تجاری ذکر می شود، این است که اصل بر اشتغال ذمه باشد. به موجب این اصل، حتی در مواردی که ایرادات و دفاعیات

خواننده قابل استماع و در نتیجه دعوا موثر باشد، تا زمانی که وی ادعای خود را ثابت نکرده باشد، حکم به اشتغال ذمه او داده خواهد شد. بنابراین، در دعوی راجع به اسناد تجاری، خواهان جز ارائه لاشه سند، تکلیفی به ارائه دلیل دیگر ندارد. بلکه وظیفه خواننده است که اگر مدعی برائت ذمه خود می باشد، برای اثبات ادعای خود دلیل اقامه نماید.

بند دهم: اصل مدیونیت

در حقوق مدنی پرداخت مال، دلیل بدهکاری نیست. زیرا پرداخت مال ممکن است تحت عناوینی از قبیل قرض، عاریه، امانت و غیره باشد. در ماده ۲۶۵ قانون مدنی آمده است: «هر کس مالی به دیگری بدهد ظاهر در عدم تبرع است بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد بدون اینکه مقروض آن چیز باشد می تواند استرداد کند». به موجب این ماده صرف پرداخت ظهور در مدیونیت ندارد. بنابراین اگر کسی همینکه ثابت کند مالی به دیگری داده است، حق دارد استرداد آن را بخواهد. ماده ۳۰۲ قانون مدنی مقرر می دارد «اگر کسی که اشتباها خود را مدیون می دانست آن دین را تادیه کند حق دارد از کسی که آن را بدون حق اخذ کرده است استرداد نماید». اگر دریافت کننده مدعی شود که پرداخت بابت طلبی بوده که از پرداخت کننده داشته، باید ادعای خود را ثابت کند. در اینجا پرداخت کننده تکلیفی بر اثبات عدم بدهی خود ندارد؛ زیرا به موجب ماده ۲۶۵ قانون مدنی، دادن مال افاده مدیونیت نمی کند اما در اسناد تجاری اصل بر مدیونیت امضاء کننده سند است. بنابراین، اگر کسی سند تجاری به دیگری بدهد، اصل بر این است که مدیون آن شخص بوده است (بهرامی، ۱۳۸۳: ۱۳) نتیجه عملی این اصل آن است که اولاً، اگر دارنده سند،



وجه آن را مطالبه کند، صادر کننده نمی تواند به صرف ادعای اینکه مدیون نبوده است، از پرداخت وجه سند امتناع نماید. ثانیاً، اگر شخصی به موجب چک مبلغی به دیگری پرداخت کرده باشد، تا وقتی که عنوان قرض یا هر عنوان دیگری را که مفید حق استرداد او باشد، ثابت نکرده باشد، نمی تواند به استناد مواد ۲۶۵ و ۳۰۲ قانون مدنی استرداد آن را بخواهد.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت با توجه به توسعه روز افزون تجارت و گسترش روابط اقتصادی چه در سطح داخلی و چه در سطح بین المللی اسناد تجاری هر روز دارای اهمیت و نقش بیشتری در گردش ثروت و توسعه اقتصادی کشورها میگردند. حتی کاربرد چک به حدی افزایش یافته که در بین مردم گاهی به عنوان وسیله پرداخت غیر نقدی و برای رفع مشکلات ناشی از بی پولی و پرداختهای موحل و گاه به عنوان تضمین انجام تعهد یا به منظور تامین اعتبار حتی در سیستم بانکی استفاده می شود. اسناد تجارتي در اصطلاح به اوراقی گفته میشود دارای ارزش و اعتبار مالی میباشد و قانونگذار امتیازی برای آن قائل می باشد چک سفته برات از جمله این اسناد به شمار می آیند لذا ازین جهت نسبت به سایر اسناد دارای امتیازات متمایز و منحصر به فردی میباشد که از جمله آن می توان به:

- ✓ مسئولیت تضامنی امضا کنندگان سند: مسئولیت تضامنی به این معناست که دارنده سند تجاری این اجازه را دارد که برای مطالبه وجه سند به همه افراد امضا کننده و برای کل مبلغ سند رجوع کند. مسئول بودن چند فرد برای

پرداخت وجه یک سند به نحو تضامن می‌تواند مزیت ویژه‌ای برای یک سند تلقی گردد که قانونگذار به این مهم در ماده ۲۴۹ قانون تجارت اشاره داشته است.

✓ قرار تامین خواسته بدون نیاز به سپردن خسارت احتمالی: افرادی که اسناد تجاری را در ید خود دارند می‌توانند در صورت عدم پرداخت وجه سند معادل مبلغ آن را از اموال بدهکار توقیف نمایند که این امر حتی می‌تواند پس از عدم تادیه و قبل از اقامه دعوی صورت پذیرد. در چنین مواقعی دادگاه مکلف است نسبت به درخواست توقیف اموال بدون دریافت خسارت احتمالی ترتیب اثر دهد.

✓ تسریع در معاملات: از آنجا که معمولاً ثمن معاملات پول می‌باشد برای پرداخت ثمن به صورت نقدی مشکلات عدیده‌ای متصور است "حجم بالای پول نقد، یا مشکلات جابه‌جایی در معاملات بین‌المللی، خطرات احتمالی برای انجام معاملات نقدی که وجود اسناد تجاری راهکار مناسبی در جهت بالا بردن سرعت و اطمینان تبادل وجوه را فراهم کرده است.

✓ قابلیت ظهرنویسی: ظهرنویسی در معنای کلی انتقال اسناد تجاری به دیگری است بدین شکل که فرد دارنده سند می‌تواند با امضا در پشت سند تجاری کلیه حقوق متعلقه خود در سند تجاری را به دیگری انتقال دهد و وی را به عنوان طلبکار مبلغ مندرج در سند محسوب کند. اینگونه انتقال بدون تشریفات خاص و به صرف امضا صورت می‌گیرد لیکن بایستی توجه



داشت که هرچند ظهر نویسی در پشت سند اصولاً دلالت بر انتقال سند تجاری دارد اما در همه موارد به این شکل نیست که چرا افراد میتوانند با امضا در ظهر چک اهدافی چون ضمانت یا ظهر نویسی به عنوان وکالت در وصول یا ظهر نویسی برای توثیق را دنبال کنند. که البته این اهداف با درج عباراتی چون ظهر نویسی برای وکالت یا ظهر نویسی برای ضمانت از ظهر نویسی انتقالی منفک میگردد.

✓ قابلیت توثیق اسناد تجاری: همانطور که گفته شد اسناد تجاری قابلیت به وثیقه گذاشتن را دارا میباشند. در واقع توثیق این اسناد در جایی کاربرد دارد که فرد تاجر یا فردی که متعهد به انجام تعهدی است در جهت تضمین انجام تعهد خود این اوراق را وثیقه قرار میدهد تا در صورتی که فرد مسئول به تعهد خود عمل نکرد یا در انجام آن تاخیر کرد متعهد له یا طلبکار بتواند از محل این اوراق اصل دین یا خسارات خود را جبران کند.

منابع و مآخذ

الف) کتب

- ۱- ابری دوبرجی نوشتین، کتاب اهلیت اشخاص در صدور اسناد تجاری، موسسه و انتشارات قانون یار، چاپ اول ۱۴۰۰
- ۲- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ۱۳۷۱، جلد اول، انتشارات اسلامیه، چاپ یازدهم، تهران
- ۳- انصاری، مسعود، طاهری، محمد علی، ۱۳۸۶، دانشنامه حقوق خصوصی، انتشارات محراب، چاپ دوم، تهران
- ۴- بهرامی، بهرام، ۱۳۸۳، وصف جایگزینی و تبعی در اسناد تجاری، انتشاراتی نگاه بینه، تهران
- ۵- حسنی، حسن، ۱۳۸۵، حقوق تجارت، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، تهران
- ۶- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۸، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، نشر گنج و دانش، تهران
- ۷- رودیجانی، محمد مجتبی، ۱۳۹۰، حقوق مدنی ۷ (عقود معین اذنی و وثیقه ای) تهران، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ



- ۸- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی (تعهدات)، ۱۳۸۰، انتشارات مجد، چاپ نهم، تهران
- ۹- صفایی، سید حسین، ۱۳۸۹، حقوق مدنی، دوره مقدماتی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران
- ۱۰- صفری، محمد، ۱۳۸۶، ورشکستگی، انتشارات میزان، جلد چهارم، چاپ اول، تهران
- ۱۱- صقری، محمد، ۱۳۸۷، اسناد، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، تهران
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ دوم، تهران
- ۱۳- کاشانی، سید محمود، ۱۳۸۸، حقوق مدنی، قراردادها، ویژه، انتشارات میزان، چاپ اول
- ۱۴- کاویانی، کوروش، ۱۳۸۹، حقوق اسناد تجاری، انتشارات میزان، چاپ دوم، تهران
- ۱۵- متین دفتری، احمد، ۱۳۴۰، مجموعه رویه قضائی، نشر آفتاب، تهران